



The Lusterware Produced in Kashan at the End of the 15th Century and in the First Half of the 16th Century

Mohammad Mashhadi NooshAbadi

Assistant Professor, Department of Religions and Philosophy, Kashan University

MohamadReza Ghiasian¹

Assistant Professor, Department of Higher Art Studies, Kashan University

Received: April, 23, 2019; Accepted: December, 5, 2020

(pp. 107-132)

Abstract

Although Kashan was one of the main centers of lusterware production in the Islamic world during the Ilkhanid period, from the middle of the fourteenth century this industry declined in the city. Afterwards, at the end of the fifteenth century, once again, we witness the prevalence of making luster tiles in Kashan, but with different forms and contents. This article introduces 15 tiles which were produced between the years 1478 and 1560. These tiles were generally in the form of inscribed tablets with such functions as tombstone and mihrab, and were installed on the walls of religious buildings such as mosques and shrines. This paper, besides introducing two unknown luster tiles, surveys the content of all the known samples. It also tries to determine the difference between the luster tiles of this period and the Ilkhanid samples in terms of form, use, and content. Moreover, the relationship between the content of these tiles and the religious beliefs of the Iranian people at the beginning of the Safavid era has been addressed. The results show that in contrast to the Ilkhanid samples in which Quranic phrases constitute the main content, the luster tiles of this era are influenced by Shiite beliefs.

Keywords: Tombstone, Mihrab, Kashan, Lusterware, Shiite art.

1. Email of Author: mrgh73@yahoo.com

الواح زرین فام کاشان در اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری

محمد مشهدی نوش آبادی

استادیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان

محمد رضا غیاثیان^۱

استادیار گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه کاشان

(از ص ۱۰۷ تا ص ۱۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

علمی-پژوهشی

چکیده

اگرچه کاشان در عصر ایلخانی یکی از مهم‌ترین مراکز تولید کاشی‌های زرین فام در جهان اسلام بود، از نیمه سده هشتم هجری این صنعت در این شهر دچار رکود شد. پس از آن، از اواخر سده نهم هجری مجدداً شاهد رواج ساخت کاشی‌های زرین فام در کاشان اما با فرم و محتوای متفاوت هستیم. این زرین فام‌ها کاربردهایی نظیر لوح مزار، محراب و وقف‌نامه دارند و بیشتر معطوف به افراد و مراکز محلی در کاشان و اطراف آن است. در این مقاله پانزده نمونه از این کاشی‌ها که در خلال سال‌های ۸۸۳ تا ۹۶۷ هجری تولید شده‌اند، معرفی می‌شود. تصاویر آنها از منابع مکتوب مانند آثار پژوهشگران و کاتالوگ‌های حراجی‌ها و موزه‌ها و مطالعات میدانی به‌ویژه در محل اصلی تهیه شده است. این نوشتار با بهره‌گیری از جستجوی میدانی و مطالعه کتابخانه‌ای، ضمن معرفی دو لوح زرین فام ناشناخته، برای اولین بار به بازخوانی محتوا و انتشار تصاویر تمام نمونه‌های شناخته شده پرداخته و بررسی می‌کند که این کاشی‌ها به لحاظ فرم و صورت چه ویژگی‌هایی دارد؟ و محتوای این الواح چه ارتباطی با باورهای مذهبی مردم ایران، به‌ویژه کاشان در آغاز عصر صفوی دارد؟ نتایج نشان می‌دهند که زرین فام‌های این دوران تابع فرم و شکل کلی تقریباً یکسانی هستند و محتوای آنها تحت تأثیر باورهای شیعی و محوریت صلوات بر چهارده معصوم است.

واژه‌های کلیدی: لوح مزار، محراب، صلوات کبیره، زرین فام کاشان، هنر شیعی.

۱. مقدمه

کاشان در دوره ایلخانی یکی از مهم‌ترین مراکز سفال و کاشی‌سازی دنیای اسلام بوده است. امروزه انواع سفال و کاشی از هنرمندان کاشانی این دوران نظیر خاندان ابوطاهر و ابوزید در موزه‌ها و مجموعه‌های جهان به چشم می‌خورد. در این میان، سبک دوآتشه (زرین‌فام) شهرت بیشتری دارد. با اینکه ده‌ها اثر زرین‌فام از هنرمندان کاشی عصر ایلخانی بر جای مانده است، اما ناگهان این صنعت در کاشان به محاق رفته و با وقفه طولانی بیش از یک قرن در اواخر دوره تیموری و اوایل صفویان رخ می‌نماید. آثار این مقطع زمانی که از نظر کیفیت فرم و محتوا به پای شاهکارهای دوره ایلخانی نمی‌رسند، بیشتر شامل الواح مزار، محراب و وقف‌نامه می‌شوند.

آخرین لوح زرین‌فام شناخته شده از عصر ایلخانی در کاشان، لوح بنای «قدمگاه علی» در مسجد علی قهرود به تاریخ صفر ۷۳۶/ اکتبر ۱۳۳۵ است که حدود یک ماه قبل از مرگ ابوسعید بهادر، آخرین ایلخان ساخته شده است.^۱ اهمیت این لوح در این است که نشان می‌دهد سنت نگارش کتیبه‌های یادبود بر کاشی‌های زرین‌فام در کاشان تا چند قرن امتداد یافته است. در سال ۸۶۰ق/۱۴۵۵م، سه لوح سفارش ساخت بنا به دستور سلطان ابوسعید گورکان (حک. ۸۵۴-۸۷۳ق/۱۴۵۰-۱۴۶۹م) برای بنایی نامعلوم ساخته شده‌اند.^۲ از آنجایی که این الواح از نظر سبکی تفاوت‌هایی با سایر کاشی‌های ساخت کاشان دارند، در این نوشتار مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. اما چند دهه بعدتر، با تعدادی الواح زرین‌فام مواجه می‌شویم که این نوشتار بدان می‌پردازد. این الواح که تاریخ ساخت آنها از سال ۸۸۳ق/۱۴۷۸م تا ۹۶۷ق/۱۵۶۰م امتداد دارد، عموماً شامل کاشی یک تکه مستطیل عمودی است که میانگین ابعاد آنها در حدود ۳۶×۲۴ سانتی‌متر است.

امروزه تعداد کمی از این نوع زرین‌فام‌ها در دست است. اگرچه برخی از این کاشی‌ها توسط سایر محققان چاپ شده‌اند، اما تعدادی از آنها تنها یک بار منتشر شده که در دسترس همگان نیستند و تعدادی نیز فقط در کاتالوگ‌های حراجی‌ها یافت می‌شوند. از طرف دیگر، محتوای برخی از آنها تاکنون بازخوانی نشده است که در این مجال به خوانش و تحلیل آنها پرداخته می‌شود. در این مقاله، ضمن معرفی دو لوح زرین‌فام ناشناخته، برای اولین بار تصویر تمام نمونه‌های شناخته شده منتشر می‌شود. انتشار تصاویر تمام این کاشی‌ها در این تحقیق امکان تطبیق و بررسی دقیق‌تر آنها را فراهم

می‌کند. همچنین در این راستا سؤالاتی مطرح می‌شوند که در صدد پاسخ به آن هستیم از جمله اینکه کاشی‌های مورد بررسی به لحاظ فرم و صورت چه ویژگی‌هایی دارند؟ و محتوای این الواح چه ارتباطی با باورهای مذهبی مردم ایران، به‌ویژه کاشان در آغاز عصر صفوی دارد؟

در نیمه قرن بیستم، محققان بر این باور بودند که در بازه زمانی نیمه قرن هشتم/چهاردهم تا سده یازدهم/هفدهم یک وقفه کامل در ساخت زرین‌فام اتفاق افتاده است.^۳ آنان ظروف زرین‌فام صفوی را «کشف دوباره» و «احیای» این هنر نامیدند. اما در سال ۱۹۷۵، اولیور واتسون با معرفی چند لوح مزار از اواخر سده پانزدهم تا نیمه سده شانزدهم این وقفه طولانی را کوتاه‌تر کرد (Watson, 1975b). ده سال بعد، او در کتاب «زرین‌فام ایرانی» به معرفی چند ظرف و لوح تاریخ‌دار پرداخت که در بازه زمانی سال‌های ۸۲۲ق/۱۴۱۸م تا ۹۶۷ق/۱۵۶۰م تولید شده‌اند (Watson, 1985: 157). در سال‌های اخیر، یوی کاندایا به مطالعه هشت لوح مزار زرین‌فام پرداخته که پیشتر توسط واتسون معرفی شده بودند (Kanda, 2017). اما تمرکز اصلی مقاله او بر روی لوح مزار جمال‌الدین مسعود است که شعری از محتشم کاشانی حاوی ماده تاریخ وفات بر آن نوشته شده است. او بر اهمیت مطالعه اشعار نوشته شده بر روی سفالینه‌ها به منظور یافتن حقایق تاریخی در مورد تولید آنها تأکید کرده است. در کتابی نوشته کیانوش معتقدی (۱۳۹۷: ۱۴۶) نیز شاهد انتشار تصویری از محراب مسجد پاچنار نیاسر هستیم. در نهایت، عباس اکبری (۱۳۹۸: ۲۴)، در مقدمه کاتالوگ آثار خود برای اولین بار تصویری از محراب مسجد ازناوه چاپ کرد. اما آن چنان که باید هنوز تمام این الواح به طور یکجا مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲. معرفی الواح

۲-۱. لوحی با نام علاء‌الدین فتح‌الله (۸۸۳ق/۱۴۷۸م)

این لوح به ابعاد ۲۰×۲۷ سانتی‌متر در سال ۱۹۸۴ در حراجی ساتبی لندن عرضه شد (Sotheby's, 1984: 56, lot. 158) و محل کنونی نگهداری آن نامعلوم است. لوح به حالت محرابی طراحی شده که در کناره‌های راست، چپ و بالا حاشیه‌ای از صلوات کبیره دارد. در حاشیه پایینی پیچک‌های تاک طراحی شده است. از آنجا که ابتدای متن در دست نیست، درباره کاربرد آن اظهارنظر دقیق نمی‌توان کرد. بخش اعظم متن به ثبت نام و نسب شخصی به نام علاء‌الدین فتح‌الله اختصاص دارد و به همین دلیل، اولین کاربردی

که به ذهن متبادر می‌شود، لوح مزار است. سایر محققان نیز آن را لوح مزار خوانده‌اند (Kanda, 2017: 282; Watson, 1985: 197, no. 134). اما در پایان اسامی شخص و پدران، عبارت دعایی «اصلح الله شأنهم» به کار برده شده که دعایی برای زندگان است تا طلب مغفرتی برای مردگان. علاوه بر این، عبارت آغازین لوح یعنی «محتاج الی [رحمه الله]» نیز برای زندگان کاربرد دارد. کتیبه متن اصلی چنین است:

... محتاج الی ... المرطضای المعظم سید | علاءالدین فتح الله بن المرتضایی | سعید المغفور سید شاه حسین | بن العبد الغنی سید علی | اصلح الله شأنهم | فی تاریخ منتصف رجب المرجب | سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائه.



راست: لوح ۱. لوحی با نام علاءالدین فتح الله (Sotheby's, 1984: lot. 158).

چپ: لوح ۲. کاشی زرین فام در کف پوش زیارتگاهی در کاشان (عکس: نگارندگان).

۲-۲. کاشی شکسته زیارتگاهی در کاشان (۸۸۳ق/۱۴۷۸م؟)

کف پوش یکی از زیارتگاه‌های کاشان که پوشیده از کاشی‌های شکسته قدیمی است، نمونه‌ای از زرین فام را نشان می‌دهد که تاکنون از دید محققان به دور بوده است.^۴ در اینجا گوشه باقی مانده از یک لوح به چشم می‌خورد که کلمه «ثمانمائه» از عبارت تاریخ آن به طور کامل باقی مانده است. کتیبه این کاشی تنها در متن آمده و در حاشیه یک زنجیره هندسی طراحی شده است. از متن کاشی نیز چند کلمه بیشتر باقی نمانده، اما از حروف باقی مانده یکان و دهگان از سال «ثمانمائه» شاید به تسامح بتوان آن را ۸۸۳ خواند. چند کلمه از صلوات کبیره در متن اصلی دیده می‌شود. این کاشی ممکن است

یادمان یا وقف‌نامه باشد، زیرا در متن لوح مزار امکان نوشتن صلوات کبیره نیست، بلکه معمولاً بر گرداگرد آن می‌آید. به هر روی کلمات باقی‌مانده چنین خوانده می‌شود:
 [مه‌ادی‌الصاحب | حا]ج گل مُطَفَّرِ رحمه | ... العاشر من | ... و ثمانمائه
 ۲-۳. محراب مسجد پاچنار نیاسر (۸۸۴ ق/۱۴۷۹م)

این محراب که از دید محققان خارجی به دور بوده، دربردارنده مفاهیم قرآنی و شیعی است. در متن زمینه کاشی به خط ثلث، آیت‌الکرسی یکی از معروف‌ترین آیات قرآنی آمده است که در هنر مذهبی ایران جایگاهی والا دارد. در حاشیه نیز صلوات کبیره نوشته شده که از این دوره به بعد مکمل هم هستند. این دو شعار قرآنی و شیعی، کنار هم در آثار معماری؛ هم در نمادهای مذهبی مانند توغ‌های آیینی و هم در سنگ مقابر صندوقچه‌ای دوران صفوی کاربرد گسترده‌ای دارند.^۵ هشت سطر آغازین متن اصلی به بسمله، آیت‌الکرسی و «صدق الله» اختصاص دارد و در سه سطر آخر، نام بنا، واقف و تاریخ (۱۵ ربیع الاول ۸۸۴) چنین نوشته شده است:

وقف هذا المحراب علی المسجد المعروف بالرواب | العبد الفقیر حاجی ابن علی الجراح فی
 | خامس عشر ربیع الاول سنه اربع ثمانین و ثمانمائه.

روداب یکی از محلات تاریخی نیاسر امروزی است که در متن فوق به صورت «رواب» ضبط شده و احتمالاً در گذشته روستایی جدا از نیاسر بوده است. نام واقف حاجی ابن علی الجراح است. اگرچه امروزه «حاجی» به عنوان نام معمول نیست، اما گویا در آن دوران معمول بوده، چنان‌که در دو کتیبه مذهبی دیگر کاشان نیز به چشم می‌خورد.^۶

۲-۴. لوح مزار بی‌بی ملک خاتون (۸۸۶ ق/۱۴۸۱م)

این لوح به ابعاد ۲۴×۳۶ سانتی‌متر در موزه سور پاریس^۷ نگهداری می‌شود.^۸ متن اصلی این لوح در میان یک قاب برجسته محرابی‌شکل با نوک پُرانتزی آمده است. لچکی‌های دو گوشه قوس محراب با تزیینات اسلیمی زمخت پوشیده شده است. در بیرون قاب محرابی و در زیر لچکی‌ها، متن حاشیه جای گرفته است. متن اصلی به خط ریحان بدین شرح است:

هو الباقي | وفات | حرّه مسما بی‌بی ملک خاتون | بنت محمد بن پاکیر | در غره
 تیرماه جلالی | لسنه ثمانین و مائه خانیه | مطابق سنه ست و ثمان | نین و ثمانمائه هجریه
 نبویه.

در زیر متن اصلی، بیتی از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (متوفی: ۶۳۵ق/۱۲۳۷م)، یکی از شاعران سده هفتم/سیزدهم نوشته شده است. اشعار او در زرین‌فام‌های دوره ایلخانی نیز یافت می‌شود (نک: اکبری، ۱۳۹۸: ۹-۱۰). این بیت به خط نستعلیق نوشته شده است:

بر هیچ آدمی اجل ابقا نمی‌کند سلطان مرگ هیچ محابا نمی‌کند

فضای خالی پایین بیت شعر، با یک خط زیگزاگ که نقطه‌هایی در دل دندان‌های خود دارد، پر شده است. متن حاشیه از پایین لچکی سمت راست با سوره توحید شروع می‌شود و پس از آن عباراتی آمده که نشان‌دهنده گرایش شیعی است: «لاله الاله، محمد رسول الله، علی ولی الله، صدق الله». آوردن «صدق الله» بعد از عبارت «علی ولی الله» و دو عبارت قرآنی «لاله الاله (محمد: ۱۹)» و «محمد رسول الله» (فتح: ۲۹) این شبهه را برای خواننده ایجاد می‌کند که مگر نویسنده «علی ولی الله» را جزو قرآن فرض کرده که بعد از آن عبارت «صدق الله» را آورده است.



راست: لوح ۳. محراب مسجد پاچنار نیاسر (معتقدی، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

چپ: لوح ۴. لوح مزار بی بی ملک خاتون (Watson, 1985: fig. 131).

۵-۲. دو لوح مزار برای خیاط آرائی (۸۹۱ق/۱۴۸۶م)

دو لوح مزار تقریباً یکسان برای این شخص به جا مانده است. یکی از آنها به ابعاد ۲۴,۷×۳۶,۹ سانتی‌متر در موسسه هنر شیکاگو (شماره ۱۴۵,۱۶)^۹ و دیگری در موزه هنر اسلامی قاهره^{۱۰} نگهداری می‌شود. هر دو لوح از لحاظ شکل کلی، تزئینات و ابعاد

همچون لوح مزار بی‌بی ملک خاتون می‌باشند، به گونه‌ای که می‌توان گفت هر سه لوح توسط یک نفر ساخته شده‌اند. متن هر دو کاشی به خط ثلث چنین خوانده می‌شود:

فی‌التاریخ | وفات کرد مرحوم | سعید استاد محمد | بن محمود بن محمد محمود |
خیاط آرانی در اول | ماه رمضان المبارک | سنه احدی و تسعین و ثمانمائه هجریه.



راست: لوح ۵-۱. لوح مزار خیاط آرانی، موسسه هنر شیکاگو (16.145)، (موسسه هنر شیکاگو).
چپ: لوح ۵-۲. لوح مزار خیاط آرانی، موزه هنر اسلامی قاهره (Najafi, 1989: 323).

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا دو لوح مزار برای یک نفر ساخته شده است؟ در پاسخ به این سوال باید به تفاوت‌های آنها توجه کرد. حاشیه‌های این دو لوح تفاوت ظریفی در فرم و محتوا دارند. حاشیه لوح شیکاگو به شکل U و به هم پیوسته طراحی شده اما حاشیه لوح قاهره با خطوط عمودی به سه قاب تقسیم شده است. اما تفاوت مهم‌تر در متن آنها یافت می‌شود. در حاشیه‌های هر دو، سوره توحید نوشته شده و پس از پایان آن، در لوح شیکاگو کلمه «صدق» و در لوح قاهره عبارت «صدق الله العظيم» آمده است. شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که سازنده ابتدا لوح شیکاگو را ساخته ولی به دلیل نقصی که در عبارت «صدق» وجود داشته، مورد پسند سفارش‌دهنده قرار نگرفته و مجبور شده تا دوباره آن را بسازد. یکی از نکات درخور توجه نسبت «آرانی» متوفی می‌باشد؛ چرا که ما اطلاعات و اسناد چندانی درباره آرانی (منطقه‌ای در شش کیلومتری جنوب کاشان) پیش از صفوی نداریم. کاملاً برعکس کتیبه مزار بی‌بی ملک خاتون که گرایش شیعی دارد، متن لوح مزار خیاط آرانی به لحاظ مذهبی ملایم و فاقد رنگ تشیع است. آیا این امر نشانه‌ای است از گرایش مذهبی آبادی‌های

اطراف کاشان پیش از صفویه که حمدالله مستوفی (متوفی: حدود ۷۴۴ق/۱۳۴۴م) جمله آنها را سنی می‌داند؟ (مستوفی، ۱۳۶۲ ب: ۶۸).

۶-۲. لوح مزار میرزاعلی (۸۹۲ق/۱۴۸۷م)

این لوح مزار که تاکنون معرفی و منتشر نشده است، در یکی از زیارتگاه‌های کاشان به ابعاد ۵۷×۳۵ سانتی‌متر یافت می‌شود. از آنجا که از چند قرن پیش تاکنون کاشی‌های زرین‌فام از دیوارهای ابنیه کاشان به سرقت رفته‌اند و حفاظت کافی نیز از آنها صورت نمی‌گیرد، نام این زیارتگاه در اینجا ذکر نمی‌شود. طرح کلی آن با بقیه نمونه‌ها متفاوت و به صورت پنج ضلعی می‌باشد. قاب‌ها به رنگ آبی و پس‌زمینه به رنگ آبی بسیار روشن است. کتیبه متن اصلی به خط ثلث چنین خوانده می‌شود:

هو | وفات کرد صاحب | زاده مغفور مبرور | میرزا علی بن خواجه مظفر | کاشانی |
طیب الله مضجعهم | فی آخر شعبان المعظم | سنه اثنتین و تسعین و ثمانمائه | الهجریه
وضعیت حاشیه‌ها بدین صورت است: دو ضلع بالایی با تزیینات ساده گیاهی پر شده
و در ضلع پایینی کلمه «الهجریه» نوشته شده و در سمت راست و چپ یک بیت شعر
بدین مضمون نوشته شده است:

فلک را زین مهتر نیست کاری که گرداند جدا یاری ز یاری

۷-۲. لوح مسجد جامع ازناوه (۸۹۹ق/۱۴۹۳م)

این کاشی که در مسجد جامع ازناوه در محل اصلی خودش نصب است، همانند عموم زرین‌فام‌های این دوره زمینه‌ای روشن و خط قاب فیروزه‌ای دارد. غیر از آسیب‌هایی که در همه سطوح، به‌ویژه در بخش‌های کناری، دیده می‌شود، این لوح از وسط نیز شکسته است. در دو لچکی بالای قوس محراب، تزیینات برگ پالمی ترسیم شده است. خطوط ترسیم شده بر روی برگ لچکی سمت راست تداعی کننده کلمه «الله» است. متن قاب اصلی چنین خوانده می‌شود:

هوالباقی | بسم الله الرحمن الرحیم | قل هو الله احد، الله الصمد | لم یلد و لم یولد و لم
یکن له | کفن احد. سعی کرد | بنای این مسجد مرحوم | سعید رئیس شهاب‌الدین | بن
مظفر بن ترکان‌شاه ازنا | وئی بتاریخ غره محرم‌الحرام | سنه تسع و تسعین | و ثمانمائه هجریه
نیویه.



راست: لوح ۶. لوح مزار میرزاعلی (عکس: نگارندگان).

چپ: لوح ۷. لوح محراب مسجد جامع ازناوه (اکبری، ۱۳۹۸: ۲۴).

در حاشیه ضلع پایینی قاب پس از کتیبه اصلی نام سازنده کاشی آمده است: «عمل قطب‌الدین الحسینی غضائری». لوح دیگری نیز با امضای همین سفالگر باقی مانده است (لوح ۸). بر حاشیه‌های سمت راست و چپ نیز صلوات کبیره نوشته شده است:

اللهم صلّ على المصطفى محمد [و] المرضى على و البتول فاطمه و السبطين الحسن و الحسين | و صلّ على زين العباد على و الباقر [محمد] و الصادق جعفر و الكاظم موسى و الرضا | على و التقى محمد

نکته درخور توجه اینکه همانند متون سایر الواح، ابتدا القاب و سپس نام معصومان آمده است. در اینجا پس از نوشتن لقب امام هشتم (الرضا) جای کافی برای نوشتن نام او (علی) و اسامی چهار امام دیگر نبوده است. بنابراین ادامه متن (علی و التقی محمد) با اندازه کوچک‌تر در بالای کلمه موسی نوشته شده است. با این وجود، هنوز نام سه امام آخر به چشم نمی‌خورد که شاید به اختصار در گوشه لوح آمده بوده که شکسته شده است. نوشتن عبارت «هوالباقی» در بالای لوح محراب مسجد کمی عجیب است. اما در لوحی یادمانی دیگری که از همین سفالگر به جا مانده است، نیز چنین عبارتی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد او اساساً فرم و ساختار الواح مزار را استفاده می‌کرده و در انتخاب عبارات آغازین متناسب با لوح‌های یادمانی سهل‌انگار بوده است.

۸-۲. لوح نذر فرش زیارتگاه سلطان یلمان کاشان (۹۰۲ق/۹۷-۱۴۹۶م)

این لوح برای اولین بار توسط حسن نراقی در سال ۱۳۴۸ معرفی شد (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۲۵)، ولی تصویر آن ابتدا توسط واتسون منتشر شد (1985: fig. 133). این لوح از چند جهت شباهت زیادی با کاشی مسجد ازناوه دارد، به خصوص که سازنده هر دو کاشی یک نفر است. همانند کاشی مسجد ازناوه، سازنده نام خود را در حاشیه پایینی درج کرده و پیشوند «سید» را نیز بدان افزوده است: «عمل سید قطب‌الدین الحسینی غضایری.» متن اصلی هر دو لوح با عبارت هوالباقی آغاز می‌شود که همانطور که پیشتر گفته شد، ظاهراً او طبق عادت متون رایج در الواح مزار را به کار می‌برده است. جالب اینکه او در اینجا عبارت «کل نفس ذائقه الموت» (عنکبوت: ۵۷) را نیز افزوده است. قطب‌الدین از تجربه ناتمام ماندن صلوات کبیره در کاشی مسجد ازناوه درس گرفته و در این لوح که سه سال بعدتر ساخته، صلوات کبیره را که حجم بیشتری دارد، در متن اصلی آورده و جمله مربوط به نذر فرش را در حاشیه نوشته است:

نذر کرد این فرشها را باستانه حضره سلطان یلمان | موسی، استاد شاه محمود بن کمال
الدین شیخ خباز در سنه اثننتین و تسعمائه.

۹-۲. لوح مزار استاد غیاث‌الدین (۹۰۵ق/۱۴۹۹م)

لوحی که بخش بالایی متن آن سالم مانده، اما تقریباً دو سوم آن شامل قوس محرابی و بخش پایینی لوح از بین رفته است. این کاشی به ابعاد ۲۸×۱۴،۴ سانتی‌متر در سال ۲۰۰۴ در حراجی کریستی به قیمت ۲۲۷۰ پوند به فروش رفته و محل کنونی نگهداری آن نامعلوم است (نک: Christies, 2004: 22, lot. 24). متن باقی مانده از لوح شامل نام متوفی و تاریخ (روز آخر جمادی‌الاول ۹۰۵) به خط نسخ چنین نوشته شده است:

وفات مرحوم سعید مغفور | مبرور استاد غیاث‌الدین بن | استاد نظام‌الدین شوا طاب‌ثراه
| و جعل الجنه مأواه بتاریخ سلخ جمادی | الأولى سنه خمس و تسعمائه مطابق دیمه جلالی
| ... ثمان و تساعین و مائه] خانه

در حاشیه بخش آغازین و پایانی صلوات کبیره خوانده می‌شود. پس‌زمینه به رنگ سفید و قاب‌ها به رنگ آبی درخشان با دورگیری زرین هستند. سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که در پایین بخش اصلی لوح چه نوع متنی بوده است. در پاسخ باید گفت که در مقایسه با سایر الواح (شماره‌های ۴ و ۱۲) از آنجا که نام متوفی و تاریخ به طور کامل درج شده، محتمل‌ترین متن برای پایین لوح یک یا دو بیت شعر به خط نستعلیق است. به خصوص که آخرین کلمه متن اصلی (خانه) نیز به نستعلیق است.



راست: لوح ۸. لوح زیارتگاه سلطان یلمان (Watson, 1985: fig. 133).

چپ: لوح ۹. لوح مزار استاد غیاث‌الدین (Christies, 2004: 22).

۱۰-۲. وقف‌نامه منبر مسجد جامع کوهپایه (۹۳۵ق/۱۵۲۸م)

این لوح به ابعاد ۲۵×۳۶ سانتی‌متر که در محراب مسجد جامع کوهپایه (در ۶۵ کیلومتری شرق اصفهان) نصب است، به مناسبت وقف یک منبر در اوایل دوره صفوی ساخته شده است. طرح کلی به صورت محرابی با قاب‌هایی به رنگ آبی طراحی شده است. متن اصلی لوح شامل نام واقف و تاریخ به خط ثلث چنین خوانده می‌شود:

هو العلی الاعلی | وقف نمود این منبر را قربه الی الله | افتخار الحاج و الحرمین حاجی اسکندر | بن شمس‌الدین بن اسکندر فی محرم المکرم | سنه خمس و ثلاثه و تسعمائه هجریه | آمرزیده باد که فاتحه خواند.

آوردن عبارت تند «هو العلی الاعلی» در آغاز متن نشان‌دهنده آتش گرم رو تشیع غالی در اوان ظهور صفویان است. علاوه بر این، در حاشیه‌ها نیز صلوات کبیره آمده است.

۱۱-۲. لوح مزار میرمحمد (۹۳۹ق/۱۵۳۳م؟)

این لوح در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۱۱ در حراجی کریستی لندن عرضه شد که در اولی به قیمت ۱۲۴۰ پوند به فروش رفت و در دومی خریداری نداشت. ^{۱۱} ابعاد آن ۲۴،۶×۳۴ سانتی‌متر و محل کنونی نگهداری آن نامعلوم است. در مقایسه با سایر الواح، این قطعه هم از نظر فرم و هم محتوا کیفیت بسیار پایین‌تری دارد. زمینه‌ای به رنگ سفید دارد و در آن رنگ آبی به کار نرفته است. در چهار طرف حاشیه دارد و در بخش اصلی یک قوس محرابی با تزیینات گیاهی خامدستانه طراحی شده است. در زیر هلالی محراب،

شعری سست و به خط نسخ در رثای متوفی آمده است. از عجایب که این شعر هفت مصرع دارد و گویا مصرع ابتدایی بیت اول نیامده است:

بریده گشت از او | پاره ز خون جگر | سه روز مانده به نوروز کان جوان عزیز | وداع
کرد ز یاران از این رباط دو در | شب ز بیست و یک چون ز ماه شعبان بُد | وفات میرمحمد
دریغ آن گوهر | بصدق فاتحه خوانید بهر مغفرتش | دعا کنید باخلاص مؤمنان یکسر
طبق متن فوق، جوانی به نام میرمحمد در روز ۲۱ شعبان که سه روز به نوروز مانده
بوده درگذشته است. بنابراین سال وفات ذکر نشده، اما در مقام تخمین می‌توان گفت که
۲۱ شعبان ۹۳۹ قمری مطابق با ۱۸ مارس ۱۵۳۳ میلادی و ۲۷ اسفند ۹۱۲ شمسی
بوده است. از طرف دیگر، می‌توان «دریغ آن گوهر» را ماده تاریخ در نظر گرفت. «دریغ»
معادل ۱۲۱۴ است و اگر «آن گوهر: ۲۸۲» را از آن کم کنیم نتیجه ۹۳۲ می‌شود. ۱۲ اما
به هر حال، ماه شعبان ۹۳۲ قمری در خرداد بوده است که با ادعای سه روز مانده به
نوروز جور در نمی‌آید. در زیر قوس محراب چیزی شبیه به یک عروسک آویزان به
صورت برجسته طراحی شده است. آیا متوفی نه یک جوان بلکه یک نوجوان یا کودک
بوده است؟ در حاشیه چهار طرف لوح بخشی از صلوات کبیره با تأکید بر امامان یازدهم
و دوازدهم آمده است. این متن از گوشه پایین سمت راست به صورت پادساعتگرد چنین
خوانده می‌شود:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجَلْ فَرَجَهُمْ. عَلٰى وَّ الزَّكٰى الْحَسَنِ الْعَسْكَرِى وَّ صَلِّ
عَلٰى الْحِجَّةِ الْقَائِمِ مُحَمَّدِ الْمَهْدِى [صاحب الزمان صلوات الله و سلامه عليه و عليهم اجمعين].
عدم مهارت کاتب در انتخاب متن از آنجا ناشی می‌شود که بعد از کلمه «فرجه»
متن را با «علی و الزکی الحسن العسکری» ادامه داده و مشخص نیست که «علی» به
چه دلالت دارد؟ نام امام دهم (علی النقی (ع)) یا امام اول، علی (ع) و یا اینکه می‌خواسته
بدین صورت بنویسد: «و علی الزکی» به معنای «و صلوات فرست بر الزکی». یکی دیگر
از مصادیق بی‌دقتی کاتب، حذف سهوی حرف «ی» از کلمه «مهدی» است. پس از
اتمام صلوات نیز از آنجا که هنوز جالی خالی قابل توجهی در اختیار او بوده مجدداً با
عبارت «صلوات الله و سلامه عليه و عليهم اجمعين» فضای خالی را پر کرده است. بدین
ترتیب یکی از متأخرترین نمونه‌های این نوع از الواح، گرچه در فرم ظاهری سعی در
حفظ اصالت نمونه‌های پیشین دارد، اما در نحوه اجرای تزیینات، خوشنویسی و محتوا
چندان تنزل کرده که به خوبی نشانگر انحطاط سفالینه‌های زرین‌فام در این مقطع

تاریخی است. انحطاط محتوایی هم در شعر و هم در اشتباه عجیب در ثبت صلوات غافلگیر کننده است.



راست: لوح ۱۰. وقفنامه منبر مسجد جامع کوهپایه (Watson, 1985: 162).

چپ: لوح ۱۱. لوح مزار میرمحمد (Christie's, 2011: 131).

۱۲-۲. لوح مزار شیخ جمال‌الدین مسعود (۹۶۷ق/۱۵۶۰م)

در سال ۱۹۳۹ ریچارد اتینگهاوزن در فهرست آثار سفالین تاریخ‌دار، این لوح مزار که در موزه هنر و صنایع دستی هامبورگ^{۱۳} محفوظ است را معرفی نمود (Ettinghausen, 1939: 168, no. 137). اما تصویر آن را اولین بار واتسون منتشر کرد (1975b: 74, pl. 75) و اخیراً یوی کاندای در مقاله‌ای به بررسی مفصل آن پرداخته است (Kanda, 2017). این لوح که پس‌زمینه‌اش سفید است، از نظر قاب‌بندی و خوشنویسی از دیگر لوح‌های بررسی شده کیفیت بهتری دارد. علاوه بر این، آنچه اهمیت این لوح را برجسته‌تر می‌کند، سه بیت ماده تاریخ وفات است که توسط شاعر بزرگ آن دوران، محتشم کاشانی (متوفی: ۹۹۶ق/۱۵۸۸م) سروده شده است. مسلماً محتشم با متوفی آشنایی داشته که چنین شعری در مورد او سروده و در هفت دیوانش نیز آمده است (محتشم، ۱۳۸۱: ۳۰/۱-۳۱). در متن اصلی، آیاتی از قرآن، نام متوفی و تاریخ (۱۵ جمادی‌الثانی ۹۶۷) به خط ثلث نوشته شده است:



لوح ۱۲. مزار جمال‌الدین مسعود (Kanda, 2017: fig. 2).

كل شیءٍ هالكٌ الا وجهه له الحكم و اليه
ترجعون | یبشّرههم ربهم برحمه منه و رضوان | و
جنات لهم فیها نعیم مقیم | انتقال یافت از دار فنا
بدار بقا فصاحت شعار بلاغت | دثار محب
امیرالمومنین و اهل بیت کبار شیخ جمال‌الدین |
مسعود المعروف الشیرازی بتاريخ خامس عشر شهر
جمادی | الأخری سنه سبع و ستین و تسعمائه.
شعر محتشم که ماده تاریخ مرگ شیخ را
دارد، در پایین لوح نوشته شده است. با توجه به
اینکه متن شعر با خط نستعلیق به طور

خامدستانه نوشته شده (بر خلاف مابقی متن که توسط خوشنویسی ماهر اجرا شده)، یوی کاندا
این فرضیه را مطرح کرده که خوشنویس فضای خالی برای افزودن شعر ماده تاریخ در
نظر گرفته و بعداً شاید خود محتشم و یا سفالگر متن شعر را بدان افزوده است (Kanda,
2017: 280). این شعر چنین خوانده می‌شود:

زین زمانه شیخ جمال آنکه کس ندید در دهر یک معرف شیرین ادا چو او
چون رفت از این جهان بسوی خلد جاودان تاریخش از «معرف شیرین ادا» [بجو]
طبعم چو در غمش الف از ب نمی‌شناخت یک سال اگر کـ[م است دلا] عذر او بگو^{۱۳}
در حاشیه سه جانب لوح نیز به خط ثلث، صلوات کبیره با تاکید زیاد بر امام
دوازدهم آمده است:

اللّٰهُم صلّ علی المصطفى و المرتضى و البتول و السبطین و العابد و الباقر و الصادق و الکاظم
و الرضا و التقی و النقی و العسکری و الحجّة القائم المهدی المنتظر الهادی المظفر صاحب
الزمان صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین الطّیّبین الطّاهرین و الحمد لله ربّ العالمین.

۱۳-۲. لوح آیت‌الکرسی

این لوح فاقد تاریخ در موزه هنر اسلامی قاهره نگهداری می‌شود. پس‌زمینه به رنگ
سفید با رگه‌هایی از رنگ آبی است. در داخل آن یک قاب مستطیل در پیشانی و یک
قاب در زمینه اصلی شکل گرفته است. در کتیبه قاب پیشانی چنین نوشته شده است:
«لمن الملك اليوم لله الواحد القهار الله اکبر.» در هشت سطر آغازین بسمله و
آیت‌الکرسی به خط نسخ ریز نوشته شده است. در سطور نهم تا دوازدهم که نویسنده

متوجه شده جای خالی زیادی در اختیار دارد، با حروف درشت‌تر نام خود را نوشته است: «هذا لقبر عمارت المعصوم معظم المطهر بسعی استاد فقیه‌شاه بن استاد عبدال بن استاد حُسَیْشاه کاشی.» دو نکتهٔ مهم از این عبارت استنباط می‌شود: اول اینکه اگرچه کاربرد دقیق این لوح مشخص نیست، اما در یک امامزاده نصب بوده است؛ و دوم اینکه سازنده نسبت «کاشی» دارد. او نام خود و پدر و جدش که احتمالاً هر سه سفالگر بوده‌اند، را با لهجهٔ کاشی نوشته است: فقیه‌شاه احتمالاً فقیه‌شاه بوده؛ منظور از عبدال، عبدالله است و حُسَیْشاه، تلفظ عامیانهٔ حسین‌شاه است. برای تاریخ‌گذاری این لوح می‌توان گفت که با توجه به سبک تزئینات و محتوا، در سدهٔ دهم/شانزدهم ساخته شده است.



راست: لوح ۱۳. لوح آیت‌الکرسی (Najafi, 1989: 324).

چپ: لوح ۱۴. لوح صلوات کبیره (Sotheby's, 1985: lot. 117).

۱۴-۲. لوح صلوات کبیره

این لوح در سال ۱۹۸۵ در حراجی ساتبی به قیمت ۲۳۱۰ پوند به فروش رفته است (نک: Sotheby's, 1985: lot. 117). ابعاد آن ۴۸,۵×۳۱ سانتی‌متر است و محل نگهداری آن معلوم نیست. این کاشی یک تفاوت عمده با سایر الواح مورد بررسی دارد و آن اینکه به جز ذکر نام خدا و صلوات کبیره هیچ اطلاعات دیگری از کاربرد، تاریخ و نام سازنده

در اختیار ما نمی‌گذارد. علاوه بر این، فرم محرابی هم ندارد که به سادگی بتوانیم آن را یک محراب بدانیم، گرچه در مجموع احتمال کاربرد محراب منتفی نیست. اما شباهت فوق‌العاده زیاد آن با لوح ۱۳ سبب می‌شود تا هر دو را کار استاد فقیه‌شاه بدانیم. در اینجا نیز مثل لوح ۱۳ یک قاب مستطیل در پیشانی و یک قاب در زمینه اصلی شکل گرفته است با این تفاوت که در اینجا در پایین هر کدام یک قاب بسیار کوچک تعبیه شده و بنابراین چهار قاب دارد. مشابه لوح پیشین، کتیبه قاب پیشانی چنین خوانده می‌شود: «الیوم لله الواحد القهار الله اکبر» در زیر کتیبه پیشانی نام جلاله «الله» شش بار تکرار شده و در متن اصلی صلوات کبیره و در حاشیه زیرین تکمله آن آمده است.

۳. بررسی فرمی نمونه‌ها

خشت تمام این کاشی‌ها یک تکه بوده که فرم ساده‌ای با زمینه صاف و ضخامت حدود سه سانتی‌متر دارد. دورتادور آنها معمولاً قابی برجسته طراحی شده است. بر خلاف اکثر نمونه‌های زرین‌فام ایلخانی که نوشته‌ها نیز برجسته اجرا می‌شدند، در اینجا نوشته‌ها و پس‌زمینه هم‌سطح هستند. در پنج مورد، تمام لوح صاف و یکدست است (الواح ۱-۳، ۱۲). در هفت مورد، فقط قاب‌ها برجسته اجرا شده‌اند (الواح ۶-۱۰، ۱۳-۱۴) و در چهار مورد علاوه بر قاب‌ها تزیینات گیاهی لچکی‌ها نیز برجسته شده‌اند (الواح ۴-۵، ۱۱). قاب‌های برجسته عموماً به رنگ آبی هستند به جز لوح ۱۱ که علی‌رغم برجسته بودن قاب و نقوش، رنگ آبی در آن به کار نرفته است. زمینه کاشی‌ها از نظر رنگی به یکی از این سه حالت هستند: سفید؛ آبی بسیار روشن؛ سفید با لکه‌های آبی رنگ پاشیده شده بر آن. از میان نمونه‌هایی که ابعاد آنها بر ما معلوم است، کوچک‌ترین آنها لوح مزار علاءالدین به ابعاد ۲۷×۲۰ سانتی‌متر و بزرگ‌ترین آنها لوح مزار میرزاعلی به ابعاد ۵۷×۳۵ سانتی‌متر است. در همه نمونه‌ها یک قاب در درون لوح طراحی شده به گونه‌ای که یک بوم اصلی و یک حاشیه دارند. معمولاً در حاشیه‌ها نیز متنی نوشته شده به جز سه مورد که در حاشیه نقوش تزیینی هندسی دارند (الواح ۲، ۱۳-۱۴). متن کتیبه‌ها همواره در سه جانب از حاشیه‌ها نوشته شده‌اند و فقط در دو مورد، متن حاشیه در چهار طرف آمده است (الواح ۱۰-۱۱). اگر حاشیه پایینی حاوی نوشته باشد، متن حاشیه به صورت ساعتگرد خوانده می‌شود (الواح ۴-۹) و اگر حاشیه بالایی نوشتار داشته باشد، جهت خواندن پادساعتگرد است (الواح ۱، ۳، ۱۳). پرکاربردترین خط در کتیبه‌ها نسخ و ثلث است. در برخی نمونه‌ها کیفیت خط چنان ضعیف است که تردیدی باقی نمی‌ماند

که خود سفالگر متن را نوشته است (الواح ۱-۲، ۱۱، ۱۳-۱۴). در مورد کیفیت خط ثلث لوح ۱۲ باید گفت که قطعاً خوشنویس ماهری آن را اجرا کرده است به خصوص که تفاوت چشمگیری با نستعلیق ضعیف موجود در همان اثر دارد. در مورد خط بقیه الواح، نظری نمی‌توان داد چرا که هم می‌تواند کار سفالگر باشد و هم می‌تواند توسط خوشنویس نوشته شده باشد.

این الواح را از نظر طراحی کلی قاب‌ها می‌توان به دو گروه محرابی و هندسی دسته‌بندی کرد. تمام الواح در قطع مستطیل عمودی طراحی شده‌اند، به جز الواح هندسی که گاهی در گوشه‌های بالا برش‌هایی خورده که فرم کلی لوح را به پنج یا شش ضلعی تبدیل کرده است. در میان الواح هندسی، یک نمونه پنج ضلعی (لوح ۶)، یک نمونه شش ضلعی (لوح ۱۲) و دو مورد مستطیل‌اند (الواح ۱۳-۱۴). دو مورد اخیر فاقد کتیبه نوشتاری در حاشیه هستند و از اینجا می‌توان حدس زد که کاشی شکسته یک زیارتگاه (لوح ۲) نیز که حاشیه آن فقط یک زنجیره هندسی ساده دارد، احتمالاً از این نوع بوده است. در الواح محرابی، دو نوع کلی قوس کنگره‌دار قابل شناسایی است: نوع اول که کنگره‌اش تیزی درازی دارد به گونه‌ای که حالت پرانتری به خود گرفته است (الواح ۴، ۵، ۷-۹) و نوع دوم که در تزئینات معماری بیشتر دیده می‌شود (الواح ۱، ۳، ۱۰-۱۱).

۴. تحلیل محتوای کتیبه‌ها

۴-۱. محل تولید

واتسون با توجه به محتوای سه کاشی از نمونه‌هایی که معرفی کرده (لوح سلطان یلمان و دو لوح مزار خیاط آرائی) این نوع از کاشی‌ها را تولید کاشان دانسته است. اکنون شواهد بسیار بیشتری در این باره داریم که عبارت‌اند از محراب‌های مساجد نیاسر و ازناوه، لوح مزار میرزاعلی، تکه کاشی کف‌فرش زیارتگاهی در کاشان، دو لوح ساخته شده توسط فقیه‌شاه کاشی، لوح مزار جمال‌الدین مسعود که حاوی شعری از محتشم است. بدین ترتیب می‌بینیم که از پانزده لوح بررسی شده، ده فقره در کاشان تولید شده‌اند و علی‌القاعده باید بقیه نیز به همین شهر منسوب شوند.

۴-۲. تاریخ و تقویم

معمولاً تاریخ‌ها بر اساس قمری است و شامل ذکر روزهای آغازین یا پایانی و یا حتی میانه ماه است. ماه و سال نیز بر طبق سنتی قدیمی‌تر به زبان عربی و با حروف نوشته

می‌شوند. تنها استثنا لوح مزار میرمحمد است که با حروف فارسی و با ذکر روز دقیق ماه ثبت شده است. اما مهم‌تر از همه ذکر تاریخ خانی در دو لوح مزار است. گاهشماری خانی یا غازانی توسط غازان خان (حک: ۶۹۴-۷۰۳ق/۱۲۹۵-۱۳۰۴م) وضع شد و مبدأ آن ۱۲ رجب ۷۰۱ق بوده است (مستوفی، ۱۳۶۲ الف: ۶۰۶). یکی از آنها لوح مزار بی‌بی خاتون است که در غره تیرماه جلالی سال ۱۸۰ خانی مطابق با ۸۸۷ق ساخته شده است. دیگری کاشی مزار غیاث‌الدین شوّا به تاریخ دی‌ماه جلالی ۱۹۸ خانی مطابق با سلخ جمادی‌الأولی ۹۰۵ق است. امروزه به جز سکه‌های ضرب شده در زمان ابوسعید بهادر، اسناد بسیار معدودی از کاربرد این تقویم وجود دارد. اما این دو لوح اثبات می‌کنند که این تقویم حداقل تا دو قرن در برخی از مناطق ایران از جمله کاشان کاربرد داشته است. پیش از این، مهدی بهرامی به وجود تاریخ خانی در لوح مزار بی‌بی خاتون اشاره کرده بود (Bahrami, 1938: 260)، اما به کار رفتن این تاریخ در کاشی مزار غیاث‌الدین تاکنون ناشناخته بود.

۳-۴. عربی زبان اصلی کتیبه‌ها

در کتیبه‌ها هم زبان فارسی و هم عربی به کار رفته است؛ ولی از آنجا که عربی زبان اصلی دین اسلام و متن قرآن و روایات است، در الواح بازتاب پررنگ‌تری دارد. به طوری که در تمامی آنها از عبارات عربی استفاده شده است ولو به مقدار کم. این در حالی است که این امر درباره فارسی صدق نمی‌کند، یعنی در چهار لوح اساساً زبان فارسی به کار نرفته است (الواح ۱-۳، ۱۳-۱۴). کتیبه اصلی لوح مزارها هم به دو صورت فارسی و عربی آمده و گاهی هر دو به هم آمیخته شده و با فارسی آغاز و با عربی تمام شده است.

۴-۴. صلوات کبیره و دیگر مفاهیم مذهبی

در میان متون عربی آنچه بیش از همه بازتاب دارد، صلوات کبیره است. صلوات کبیره به صلواتی بلندتر از صلوات معمول بر پیامبر می‌گویند که در بین اهل سنت هم شهرت دارد. اما از دوران تیموری و پس از آن با نوعی صلوات کبیره روبرو می‌شویم که درود بر چهارده معصوم شامل پیامبر (ص)، فاطمه (س) و دوازده امام است. این صلوات بیشتر در کتیبه‌های بناها و آثار هنری مذهبی بازتاب داشته است تا در متون شیعی و اسلامی (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۴۵-۱۵۱).

بر خلاف محراب‌های زرین‌فام دوره ایلخانی که به نحو چشمگیری مزین به آیات قرآن بودند، در زرین‌فام‌های این دوره اعم از محراب و لوح مزار و یادمان، که کتیبه‌های مفصلی هم ندارند، صلوات کبیره بازتابی پررنگ یافته است. چنانکه از میان پانزده لوح

مورد بررسی، در ده لوح صلوات کبیره آمده است. در واقع صلوات کبیره را باید عبارت مذهبی کلیدی در این دوره خواند که گوی سبقت را از همه مفاهیم قرآنی و دینی ربوده است و در دل مردم شیعه مرکز ایران و به ویژه کاشان جایگاه والایی یافته است.

نکته جالب توجه اینکه پس از ظهور صفویان، درود بر امام دوازدهم شکل بارزتری یافته و حتی در برخی از مواقع صلوات بر دیگر معصومین را هم به حاشیه رانده است. نمونه بارز آن کتیبه مزار جمال‌الدین مسعود از ۹۶۵ق. است که به نحو کم‌سابقه‌ای نام معصومان دیگر را مختصر کرده و به شدت صلوات بر امام دوازدهم افزوده و با القاب فراوانی بر ایشان درود فرستاده است. توجه جدی به امام دوازدهم و انتظار ظهور پیروزمندان ایشان به دنبال آزادی عقیده و گسترش احساسات ناشی از ظهور حکومت شیعی صفوی و تقابل و درگیری آنان با حکومت‌های سنی منطقه و احیای آرمان‌های انقلابی شیعی بود که در زرین‌فام‌های این دوره بازتاب یافته است. لازم به ذکر است که در این دوره اندیشه اتصال حکومت صفوی به ظهور بسیار پررنگ بوده است. به عنوان نمونه، در رساله منسوب به عمادالدین نسیمی (مقتول: ۸۳۷) که در حوالی ۹۳۹ کتابت شده به پیشگویی ظهور مهدی در سال ۹۴۹ق پرداخته شده و بعدها شاه طهماسب به عنوان فرمانده سپاه مهدی شناخته می‌شده است (جعفریان، ۱۳۹۹: ۸۰).

بعد از صلوات کبیره، سوره توحید و آیت‌الکرسی به ترتیب بیشترین بازتاب را دارد، اما نه به طرز چشمگیر. در واقع در سه لوح مزار سوره توحید (الواح ۴، ۵، ۷) و در دو لوح نیز آیت‌الکرسی (الواح ۳ و ۱۳) آمده است. همچنین عبارات کوتاه قرآنی درباره مرگ، اسماء جلاله و چند آیه قرآن درباره صدیقین مفاهیم قرآنی این الواح را تشکیل می‌دهند. اینها نشانه‌ای از غلبه دین عامیانه و مردمی بر دین مکتوب و مرجع است.

به جز صلوات کبیره نشانه‌های دیگری نیز از رویکردهای شیعی وجود دارد. آوردن شهادت «علی ولی‌الله» پس از شهادتین مشهور به «شهادت ثلاث» در لوح مزار بی‌بی خاتون (۸۸۶ قمری) در پیش از ظهور صفویه که حتی برای برخی از عالمان شیعه نیز امری بدعت‌آمیز بود و آوردن آن را در اذان غلوآمیز می‌دانستند، جالب است. طرفه‌تر آنکه پس از این سه شهادت عبارت «صدق‌الله‌العظیم» آمده که طبق سنت در انتهای آیات قرآنی می‌آید. البته باید توجه داشت که عبارت قبل از شهادت سوم سوره اخلاص و شهادتین است که جملگی عبارات قرآنی است. گرچه ممکن است این امر ناشی از سهو و یا بی‌مبالاتی باشد، اما نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت. لذا وقتی دو دهه

پیش از ظهور صفویان چنین عبارتی در کاشی مزار وجود دارد، تعجیبی نخواهد داشت که وقفنامه منبر مسجد کوهپایه (۹۳۵ق) با عبارت تند «هو العلی الاعلی» آغاز شود و یا در لوح مزار جمال الدین مسعود (۹۶۵ق) صفت «محب امیرالمومنین» بیاید.

۴-۵. اشعار فارسی رثا و ماده تاریخ

نکته درخور توجه از میان عبارات فارسی اشعار رثایی است که در چهار لوح مزار آمده است. یکی از آنها بیت شعر معروفی از کمال الدین اصفهانی است که در لوح مزارهای دیگری از این دست نیز به چشم می خورد:

بر هیچ آدمی اجل ابقا نمی کند سلطان مرگ هیچ محابا نمی کند

بیت شعر دیگر در کاشی مزار میرزا علی (لوح ۶) است که گوینده آن معلوم نیست، اما در آن طعن تلخی نسبت به فلک و تقدیر آمده است:

فلک را زین مهم تر نیست کاری که گرداند جدا یاری ز یاری

ماده تاریخ سه بیتی محتشم بر لوح مزار جمال الدین مسعود در نوع خود بدیع است و با توجه به تاریخ نگارش آن در ۹۶۵ق، نشان دهنده توسعه فرهنگ و ادب و تأثیر آن بر لوح مزار نویسی است. اما ابیات درج شده بر کاشی قبر میرمحمد که در آن ماده تاریخ نیز آمده، نمونه ای از اشعار سست و عامیانه ای است که در کاشی های هفت رنگ قبرهای نیمه دوم دوره صفوی در زیارتگاه های سلطان عطا بخش و سلطان میراحمد کاشان به چشم می خورد.

۴-۶. کاربرد

حدود نیمی از این الواح کاربرد لوح مزار دارند. این کاربرد برای هفت فقره از آنها قطعی است. تردید در مورد لوح مربوط به علاء الدین است که چند کلمه آغازین آن معلوم نیست و دعاهایی بر آن درج شده که برای زندگان کاربرد دارد. سایرین چنین کاربردهایی دارند: محراب و یادمان ساخت مسجد، هر کدام یک مورد و دو مورد وقفنامه. البته همان طور که در دوران ایلخانی کتابت سوره حمد بر خشتی مستطیلی حکم محراب را داشت، بعید نیست که اکنون اسماء جلاله و صلوات کبیره چنین حکمی را یافته باشند. اگر چنین باشد ممکن است لوح صلوات کبیره استاد فقی شاه و تکه کاشی شکسته موجود در یکی از زیارات کاشان که چند کلمه از صلوات در متن آن باقی مانده نیز کاربرد محراب داشته باشند. همچنین یادمان ساخت مسجد ازناوه نیز با توجه به محتوای اسماء جلاله، سوره اخلاص و صلوات کبیره می تواند کاربرد محراب داشته باشد.

۷-۴. افراد و مشاغل

در این الواح نام سیزده نفر آمده است که عبارتند از سید قطب‌الدین الحسینی غضایری، استاد شاه‌محمود بن کمال‌الدین شیخ‌خباز، بی‌بی ملک خاتون بنت محمد بن پاکیر، استاد محمد بن محمود بن محمد محمود خیاط آرانی، حاجی بن علی الجراح، شیخ جمال‌الدین مسعود المعرف الشیرازی، میرزا علی بن خواجه مظفر کاشانی، حاجی اسکندر بن شمس‌الدین بن اسکندر، میرمحمد، استاد غیاث‌الدین بن استاد نظام‌الدین شوا، سید علاء‌الدین فتح‌الله بن المرتضایی، رئیس شهاب‌الدین بن مظفر بن ترکان‌شاه ازناوئی و استاد فقیه‌شاه بن استاد عبدل بن استاد حُسی‌شاه کاشی. از میان نسبت‌های مکانی، به جز جمال‌الدین شیرازی به نسبت‌های دیگری نیز برمی‌خوریم مانند کاشانی، کاشی، آرانی و ازناوئی که جملگی از منطقه کاشان هستند؛ که این امر برای تعیین مکان ساخت کاشی‌ها اهمیت دارد.

پیشوند اسمی پنج نفر از این افراد استاد، دو نفر سید و دو نفر حاجی است. پیشوند اسمی رئیس، شیخ، میرزا و بی‌بی هم هر کدام یک مورد است. در بین اسامی، شغل برخی از افراد نیز قید شده است که بیشتر آنها شغل‌های متعارف و معمول مانند خباز، خیاط و جراح است. جراح به کسی می‌گفتند که زخم و جراحت را معالجه می‌نمود (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۴۵). شوا در واقع کبابی یا کباب‌پز است (معلوف: ۱۳۸۰: ذیل واژه «الشوا»). احتمالاً عنوان رئیس برای شهاب‌الدین ازناوئی نیز باید مربوط به یک شغل یا مرتبه دولتی باشد. اما شغل معرف که برای جمال‌الدین شیرازی آمده، برای کسی به کار می‌رود که نامه‌ها و احکامی رسمی را در جمع مردم می‌خواند و باید که «در کل مجالس و محافل به فاتحه‌خوانی و دعاگویی پادشاه مشغول» بوده و نیز باید در مجالس عزاداری مشاهیر حاضر می‌شد و دیگران به فاتحه‌خوانی دعوت می‌کرد (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۱۳۵). در تمام الواح تنها نام دو سازنده ذکر شده است. «قطب‌الدین الحسینی غضایری» که الواح ۷ و ۸ را امضا کرده است. پسوند غضائری که یکی از القاب سفالگران بوده، از ریشه غضاره می‌باشد که دهخدا آن را گل سبز چسبناک و نیز تغار سبزرنگ معرفی کرده است. گویا این نسبت در دوره ایلخانی نیز برای برخی از اعضای خاندان سفالگر ابوطاهر استفاده می‌شده و ما حداقل یک نمونه از آن را در محراب زرین‌فام مسجد کله قهرود با امضای «یوسف بن علی بن محمد بن ابی‌طاهر الغضایری القاشانی» به تاریخ ۷۱۰ ق داریم

(Watson, 1975 a: 63). در جدول ۱ مشخصات کلی الواح بررسی شده قابل مشاهده است.

جدول ۱. الواح زرین فام کاشان در اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری (نگارندگان).

نام لوح	تاریخ	زبان	خط	شعر	عبارات قرآنی	نشانه شیعی	واقف/سازنده
۱ علاءالدین فتح الله	۸۸۳	عربی	نسخ / تعلیق	-	-	صلوات کبیره	-
۲ کاشی شکسته یک زیارتگاه	؟۸۸۳	عربی	نسخ	-	-	صلوات کبیره	-
۳ محراب مسجد پاچنار نیاسر	۸۸۴	عربی	ثلث / نسخ	-	آیت - الکرسی	صلوات کبیره	حاجی ابن علی الجراح
۴ مزار بی بی ملک خاتون	۸۸۶	عربی و فارسی	ریحان و نستعلیق	بر هیچ آدمی ...	-	علی ولی الله	-
۵ مزار خیاط آرائی	۸۹۱	عربی و فارسی	ثلث	-	سوره توحید	-	-
۶ مزار میرزا علی بن خواجه مظفر	۸۹۲	عربی و فارسی	ثلث	فلک را زین مهمتر ...	-	-	-
۷ محراب مسجد ازناوه	۸۹۹	عربی و فارسی	ثلث	-	سوره توحید	صلوات کبیره	رئیس شهاب الدین
۸ سلطان یلمان	۹۰۲	عربی و فارسی	ثلث	-	کل نفس ذائقه الموت	صلوات کبیره	استاد شاه محمود ...
۹ مزار غیاث الدین	۹۰۵	عربی و فارسی	نسخ	-	-	صلوات کبیره	-
۱۰ وقف نامه منبر مسجد کوهپایه	۹۳۵	عربی و فارسی	ثلث	-	-	هو العلی الاعلی / صلوات کبیره	حاجی اسکندر ...

۱	۱	مزار میرمحمد	۹۳۹؟	فارسی و عربی	نسخ	بریده گشت از او ...	-	صلوات کبیره	-
۲	۱	مزار جمال‌الدین مسعود	۹۶۷	عربی و فارسی	ثلث و نستعلیق	شعر محتشم	کل شیء / ... / یُبشّره ...	محب امیرالمومنین ... / صلوات- کبیره	-
۳	۱	آیت‌الکرسی	-	عربی	نسخ	-	لمن الملك ... / آیت الکرسی	هذا لقبر عمارت المعصوم	استاد فقیه‌شاه
۴	۱	صلوات کبیره	-	عربی	نسخ	-	الیوم لله الواحد القهار	صلوات کبیره	-

۵. نتیجه

در این مقاله محتوای پانزده قطعه از زرین‌فام‌های اواخر سده نهم تا نیمه سده دهم قمری بررسی و معلوم شد که این کاشی‌ها در کارگاه‌های کاشان تولید شده‌اند. دو لوح زرین‌فام برای اولین بار معرفی شد. همچنین نمونه‌های ناشناخته‌ای از کاربرد سال خانی یا غازانی شناسایی شد. زرین‌فام‌های این دوران به لحاظ شکل، کاربرد و محتوا تفاوت زیادی با نمونه‌های ایلخانی دارند و از جهت هنری و کیفیت از زرین‌فام‌های آن دوران، نازل‌تر هستند. به لحاظ کاربرد نیز زرین‌فام‌های ایلخانی در زیارتگاه‌ها و مراکز مذهبی مهم و فاخر آن دوران نصب می‌شدند، اما زرین‌فام‌های مورد بررسی بیشتر معطوف به افراد و مراکز محلی و عمدتاً در کاشان و اطراف آن است. حدود نیمی از کتیبه‌ها مربوط به لوح مزار است و مابقی کاربرد محراب، یادمان و وقف‌نامه دارند. پسوندهای شغلی نشان می‌دهد که این کاشی‌ها بیشتر به طبقات متوسط و اهل حرفه‌ها تعلق دارد و در این میان برخی مشاغل مانند معرف و شواء (کبابی) تازگی دارد. محتوای مذهبی کتیبه‌ها تحت تأثیر باورهای شیعی و محوریت صلوات بر چهارده معصوم است و عبارات قرآنی در درجه بعدی قرار دارد. توجه به شعارهای شیعی به وضوح نشان‌دهنده آزادی عمل به ویژه در حوزه باورهای مردمی است که با ظهور صفویان رنگ بارزتری به خود می‌گیرد. نکته درخور توجه برجستگی نام امام دوازدهم در صلوات کبیره در دهه‌های آغازین حکومت صفویان است که به نوعی نشان‌دهنده آرمان‌های شیعه در آن مقطع پرتلاطم

است. این محتوای مذهبی با کتیبه‌های زرین‌فام‌های دوره ایلخانی که محتوای غالب آنها عبارات قرآنی است تفاوت چشمگیری دارد. البته تطبیق دقیق‌تر محتوای کاشی‌های این دو دوره محتاج بررسی بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای تصویر این لوح، نک: Sotheby's, 144, lot 306.
۲. نک: Watson, 1975b: 68-70.
۳. نک: Grube, 1966: 164; Lane, 1957: 102; Pope, 1938: 1657.
۴. به دلیل خطری که می‌تواند از جانب سارقان متوجه کاشی‌های این بنا باشد، نام این زیارتگاه ذکر نمی‌شود.
۵. برای توغ‌های دوره صفوی، نک: مشهدی نوش‌آبادی: ۱۳۸۹.
۶. یکی کتیبه زیارتگاه غایب به سال ۹۲۰ق و دیگری کتیبه کاشی موجود در زیارتگاه پنجه‌شاه به تاریخ ۹۵۹ق که در هر دو مورد، نام پدر یا جد واقف «علی بن حاجی» است.
7. Musée de Sèvres (no. 19335).
۸. این لوح به ترتیب تاریخی توسط این محققان بررسی شده است:
Bahrami, 1938: fig. 4; Watson, 1975b: 70; pl. II; Watson, 1985: 161; fig. 131; Kanda, 2017: 282.
Kanda, Watson, 1985: 161; fig. 132; Day, 1941: fig. 2. نک: (The Art Institute of Chicago) 8
2017: 282;
۱۰. برای این لوح، نک: Kanda, 2017: 3-282; Grube, 1974: fig. 69.
۱۱. نک: Christie's, 2011: 131; lot. 123; Christie's, 1994: 107; lot. 315.
۱۲. با تشکر از آقای افشین عاطفی برای خواندن این ماده تاریخ.
13. Museum für Kunst und Gewerbe in Hamburg (1960: 64).
۱۴. ماده تاریخ «معرف شیرین ادا» معادل ۹۶۶ می‌شود که از تاریخ مرگ جمال‌الدین یک سال کمتر است که در مصرع آخر چنین جبران می‌شود: «یک سال اگر کم است دلا عذر او بگو».

منابع

- اکبری، عباس، کاشی و کاشان، کاشان، ناشر مولف، ۱۳۹۸.
- انصاری، میرزا محمدرفع، دستور الملوک: متن کامل بر اساس نسخه حیدرآباد هند، به کوشش نوبواکی گندو، توکیو، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، ۱۳۹۷.
- جعفریان، رسول، «رساله در پیشگویی ظهور مهدی در سال ۹۴۹»، آینه پژوهش، شماره ۱۸۲: ۷۵-۸۲، ۱۳۹۹.
- محتشم کاشانی، کمال‌الدین، هفت دیوان محتشم کاشانی، جلد دوم، تصحیح عبدالحسین نوایی و مهدی صدری، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۱.
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ الف.
- _____، نزه القلوب، تصحیح گای لیسترانج، تهران، دنیای نشر، ۱۳۶۲ ب.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، «بررسی کتیبه‌های توغ‌های عزاداری در ایران عصر صفوی»، تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۲، ۱۳۱-۱۵۵، ۱۳۸۹.

- معتقدی، کیانوش، *محراب‌های سفالین ایرانی*. تهران، سازمان زیباسازی، ۱۳۹۷.
- معلوف، لوئیس، *فرهنگ المنجد: عربی به فارسی*، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، ایران، ۱۳۸۰.
- نراقی، حسن، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
- Bahrami, Mehdi, "Some Examples of Il-Khanid Art." *Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology* 5, no. 3: 257-260, 1938.
- Christie's, *Islamic Art, Indian Miniatures, Rugs and Carpets, London, 18 and 20 October 1994*. London: Christie's, 1994.
- _____, *Islamic Arts and Manuscripts, 27 April 2004*. London: Christie's, 2004.
- _____, *Art of the Islamic and Indian Worlds, 6 October 2011*. London: Christie's, 2011.
- Day, Florence E, "A Review of the 'The Ceramic Art in Islamic Times. B. Dated Faience'." *Ars Islamica* 8: 49-58, 1941.
- Ettinghausen, Richard 1939, "The Ceramic in Islamic Times: B. Dated Faience," In: *A Survey of Persian Art*, ed. Arthur Uphum Pope, vol. 4, 1667-1688. Tehran: Soroush, 1977.
- Grube, Ernst J, *The World of Islam*. London: Paul Hamlyn, 1966.
- _____, "Notes on the Decorative Arts of the Timurid Period." In: *Gururājamañjarikā*. Naples: Istituto universitario orientale, 1974.
- Kanda, Yui, "Kashan Revisited: A Luster-Painted Ceramic Tombstone Inscribed with a Chronogram Poem by Muhtasham Kashani." *Muqarnas* 34: 273-286, 2017.
- Lane, Arthur, *Later Islamic Pottery: Persia, Syria, Egypt, Turkey*. London: Faber and Faber, 1957.
- Najafi, Sayyid Mohammad Bagher, *Iranische Kunstschatze in Ägypten/Asare Iran dar Mesr*. Köln: Islamische Wissenschaftliche Akademie, 1989.
- Pope, Arthur Upham, 1938, *A Survey of Persian Art*, vol. 4. Tehran: Soroush, 1977.
- Sotheby's, *Islamic Works of Art, Carpets and Textiles, 18th April 1984*. London: Sotheby's, 1984.
- _____, *Islamic Works of Art, Carpets and Textiles, 16th and 17th April 1985*. London: Sotheby's, 1985.
- Watson, Oliver, "The Masjid-i 'Ali, Quhrūd: An Architectural and Epigraphic Survey." *Iran*, XIII: 59-74, 1975a.
- _____, "Persian Lustre Ware, from the 14th to the 19th Centuries." *Le monde Iranien et l'Islam: Sociétés et cultures* 3: 63-80, 1975b.
- _____, *Persian Lustre Ware*. London: Faber and Faber, 1985.